

مجموعه تاریخهای محلی انقلاب اسلامی - ۵/۱

استان گلستان در انقلاب اسلامی

جلد اول

غلامرضا خاکی

سرشناسه: خارکوهی، غلامرضا، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور: استان گلستان در انقلاب اسلامی (جلد اول) / غلامرضا خارکوهی.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ج. ۱ (۱ آ. ۹۴۶ ص.)؛ مصور (بخشی رنگی). ج. ۳.

فروست: مجموعه تاریخهای محلی انقلاب اسلامی؛ ۵.

شابک: (دوره) 5 - 117 - 212 - 964 - 978 (ج. ۱) 2 - 118 - 212 - 964 - 978 ISBN:

وضعیت فهرست‌نویسی: فپا

یادداشت: کتابخانه به صورت زیرنویس. نمایه.

موضوع: ۱. ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - - - - - گلستان.

شناسه افزوده: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، گروه تاریخ، مؤسسه چاپ و نشر عروج.

رده‌بندی کنگره: ۲۸ خ ۸ گ / ۱۵۶۰ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵ / ۱۳۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۴۵۷۲

کد / م ۲۵۷۲



مؤسسه چاپ و نشر عروج

استان گلستان در انقلاب اسلامی / ج. ۱

نویسنده: غلامرضا خارکوهی

ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س))

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت (دوره): ۱۵۰۰۰۰ تومان

• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخرورازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: • خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاندارسری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

• حرم مطهر حضرت امام خمینی(س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۲۸۰۱

• کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار ناشر الف

مقدمه ج

۱. چشمه جوشان انقلاب ج

۲. عظمت انقلاب د

۳. ضرورت بازشناسی انقلاب و

۴. اهداف و روش ها ز

پیشگفتار ط

سیری در تاریخ استان گلستان ظ

جرجان ع

استرآباد ف

سیمای فعلی استان گلستان ن

مشخصات جغرافیایی استان گلستان ن

بخش اول: استان گلستان، از مشروطه تا انقلاب اسلامی

فصل اول: استان گلستان در انقلاب مشروطه ۳

نگاهی به مشروطه ۳

روس ها در مقابل مشروطه طلبان گلستان ۱۳

پیروزی و استبداد دوباره ۱۸

مبارزات دیگر مناطق گلستان در مشروطه ۲۶

۳۵	فصل دوم: گلستان و قیام جنگل
۳۵	فریاد اعتراض میرزا کوچک خان
۳۸	ارتباط استان گلستان با جنگلی ها
۵۱	فصل سوم: گلستان در عصر رضاخان
۵۱	اهداف و نیتات شوم رضاخان
۵۴	کارکردهای رضاخان
۵۴	۱. گسترش ظلم و تعدی
۵۸	۲. متعاشک کردن لباس ها
۶۱	۳. کشف حجاب
۷۱	مخالفان کشف حجاب در استان گلستان
۷۹	پیامدهای شوم کشف حجاب
۸۴	۴. حرص و ولع ثروت اندوزی و زمین خواری رضاخان
۹۱	۵. ممنوعیت عزاداری امام حسین (ع)
۹۳	فصل چهارم: جنگ جهانی دوم و ورود ارتش سرخ به استان گلستان
۹۳	تجاوز متفقین و زبونی ارتش شاهنشاهی
۹۷	حمله روس ها به استان گلستان
۱۰۰	مظالم متجاوزان شوروی در استان گلستان
۱۱۰	سرکوب قیام افسران کمونیست در گنبد کاووس
۱۲۳	بی حرمتی فرمانده روس ها به علمای گرگان
۱۳۲	محرّم خونین سال ۱۳۲۱ در گرگان
۱۳۶	فرصت طلبی حزب توده
۱۵۷	فصل پنجم: نهضت ملی تا نهضت خمینی
۱۵۷	چشم اندازی بر نهضت ملی و کودتای ۲۸ مرداد
۱۶۶	تأسیس ساواک در گرگان
۱۷۱	اهداف و ساختار ساواک
۱۷۷	دور جدید زمین خواری در استان گلستان
۱۷۹	۱. تأسیس شاهمزرعه گارد سلطتی در بهترین اراضی کشاورزی استان گلستان

۱۸۵..... ۲. فروش ارزان قیمت اراضی مرغوب مردم منطقه به درباریان

۱۹۷..... اسناد بخش اول

بخش دوم: انقلاب سفید در استان گلستان

۲۴۹..... فصل اول: انقلاب سفید و تبلیغات اغواگرانه

۲۴۹..... از کاخ سفید تا انقلاب سفید

۲۵۵..... سخنان نمایندگان و برنامه‌های سالگرد

۲۵۶..... سخنان آقای رحمت‌الله فهیمی نماینده مردم دشت گرگان [ترکمن صحرا از گمیشان تا گنبد]

۲۵۸..... سخنان آقای علی‌اکبر رحیم، نماینده مردم گرگان

۲۶۲..... ۱. صورت جلسه کمیته هماهنگی جشن سالروز ششم بهمن گرگان

۲۶۵..... ۲. دستور آقای شهاب‌الدین فرهنگ مطبوعاتی دربار شاهنشاهی

۲۶۶..... سخنرانی شاه در گرگان

۲۷۳..... نقادی بر سخنان و افکار شاه

۲۷۶..... مسافرت‌های شاه و خاندانش به استان گلستان

۲۸۲..... تلاش‌های فرهنگی رژیم

۲۸۷..... فصل دوم: اصلاحات ارضی

۲۸۷..... اصلاحات ناعادلانه و توسعه فقر و وابستگی

۲۹۳..... حیف و میل اراضی گلستان توسط درباریان

۲۹۴..... الف) نورچشمی‌های درجه یک

۳۰۲..... ب) نورچشمی‌های درجه دوم

۳۱۳..... سپهبد تیمور بختیار و اصلاحات ارضی

۳۱۸..... رابطه سپهبد بختیار با سرلشکر مزین

۳۲۳..... سیمای استان گلستان پس از اصلاحات ارضی

۳۲۷..... ۱. گزارش گروه تحقیقات اقتصادی در سال ۱۳۴۷

۳۳۴..... ۲. زندگی اقتصادی روستاییان پس از اصلاحات ارضی

۳۴۴..... ۳. گزارش حزب رستاخیز شهرستان گرگان در سال ۱۳۵۵

۳۶۳..... ۴. توسعه نزول‌خواری در روستاها

۳۶۷..... ۵. کرم‌های خاردار پنبه و ساقه‌خوار برنج سوغات انقلاب سفید

۳۷۷	اعتراضات ارضی مردمی
۳۸۸	استمرار شکایات مردم
۳۹۵	فصل سوم: ملی کردن منابع طبیعی یا غارت جنگل‌ها و مراتع
۳۹۵	مخالفت مالکان استان گلستان با ملی شدن جنگل‌ها
۳۹۸	اسنادی از غارت جنگل‌های استان گلستان
۴۱۲	جنگل‌خواری در پوشش طرح‌های دامپروری و کشاورزی
۴۱۷	حیف و میل مراتع استان گلستان
۴۲۹	فصل چهارم: سپاهیان دانش با مروّجان شاه‌دوستی
۴۲۹	سپاهیان دانش و استحاله فرهنگی روستاییان
۴۳۳	خاطرات یک سپاهی
۴۳۶	رفتار علمی و اخلاقی سپاهیان دانش
۴۴۰	خدمت سربازی بانوان
۴۴۵	تلاش‌های معکوس رژیم
۴۴۹	فصل پنجم: تیمسار مزین، بزرگ زمین‌خوار و مجری انقلاب سفید در منطقه
۴۴۹	مزین کی بود؟
۴۵۶	مزین دلال املای شاه
۴۶۰	نقش‌آفرینی‌های دیگر مزین
۴۶۵	شاه گلستان‌ا و شکایات بی‌نتیجه
۴۷۳	اسناد بخش دوم

بخش سوم: تکوین انقلاب اسلامی در استان گلستان

۵۷۳	فصل اول: استان گلستان در بامداد نهضت امام خمینی (سال‌های ۴۱ تا ۵۳)
۵۷۳	به‌جای مقدمه
۵۷۷	دعوت امام از علمای گران برای قیام
۵۸۳	حکم اجازه امام در تصدی امور شرعی و حسبه
۵۸۴	عید سیاه

۵۸۶.....	طلاب گلستانی در مراسم شهادت امام صادق (ع) قم
۵۹۳.....	وحشت رژیم از افشاگری‌ها و محرم سال ۴۲
۶۰۴.....	روشنگری‌های شهید هاشمی‌نژاد در گرگان
۶۰۶.....	حمایت از آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان
۶۱۱.....	گزارش فرمانده ضد اطلاعات ارتش بر علیه سرلشکر مزین
۶۱۵.....	آزادی امام و محرم سال ۴۳
۶۲۳.....	تبعید امام و غربت یارانش
۶۳۱.....	رهایی آیت‌الله خامنه‌ای توسط مردم انقلابی گرگان در سال ۴۳
۶۳۴.....	شهریاتی گرگان به دنبال شهید اندرزگو
۶۳۶.....	بازداشت دو روحانی مبارز گلستانی در ماه رمضان سال ۴۳
۶۴۳.....	فصل دوم: استمرار نهضت امام پس از تبعید (از سال ۴۴ تا ۵۰)
۶۴۳.....	اشاره
۶۴۳.....	اعتراض روحانیان گلستانی و مازندران به هویدا
۶۴۶.....	انعکاس ترور شاه در استان گلستان
۶۴۹.....	جلسات سیاسی یزدی‌های مقیم گرگان
۶۵۸.....	دخالت رئیس دفتر اشرف پهلوی در آموزش و پرورش گرگان
۶۶۰.....	نامه جمعی از روحانیون انقلابی در اعتراض به تبعید امام به عراق
۶۶۶.....	جام سنگی تصویر امام در بندرگز
۶۶۹.....	اعتراف به نیازهای تبعیدی‌ها
۶۷۰.....	اسلام‌نمایی شاه
۶۷۱.....	اسرائیل و مسأله فلسطین
۶۷۶.....	سخنرانی شیخ عبدالله یزدی در علی‌آباد کتول
۶۷۷.....	اندوه مردم استان گلستان در فقدان جهان پهلوان تختی
۶۷۹.....	طرح اعزام به سربازی طلاب
۶۸۳.....	آیت‌الله فلسفی در استان گلستان
۶۸۶.....	مخالفت علمای گرگان با احداث سینما در قم

۶۸۸	حکم اجازه امام به حاج سید باقر موسوی و...
۶۸۹	بازداشت دو روحانی مبارز گلستانی
۶۹۳	حمله مأموران رژیم شاه به دانشجویان اعتصابی در گرگان
۶۹۴	سخنرانی شیخ احمد ملازاده در گنبد کاروس
۶۹۵	علمای بیدار ترکمن در مقابل وهابیون
۷۰۰	انعکاس شهادت آیت‌الله سعیدی در گرگان
۷۰۵	گرامیداشت مقام آیت‌الله حکیم
۷۰۹	اسناد بخش سوم

بخش چهارم: جشن‌های شاهنشاهی در استان گلستان

۷۵۹	فصل اول: جشن‌های تاج‌گذاری در استان گلستان
۷۵۹	پیش درآمدی بر جشن‌های شاهانه
۷۶۸	توجیهات قلم به مزدان رژیم
۷۷۵	انعکاس جشن تاجگذاری شاه و فرح در استان گلستان
۷۸۸	نمایش فیلم‌ها و مداحی شعرای درباری گرگان
۷۹۰	پایان جشن تاجگذاری در استان گلستان
۷۹۷	وحشت رژیم از افشاگری‌های روحانیون انقلابی
۷۹۹	فصل دوم: جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در استان گلستان
۷۹۹	شوکت کذایی
۸۰۱	برنامه‌های جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در استان گلستان
۸۰۵	حیف و میل بودجه جشن‌ها در استان گلستان
۸۰۶	پیامد جشن‌های بیهوده
۸۰۷	۱. گرانی‌های سرسام‌آور و کمبود ارزاق عمومی
۸۱۱	۲. مهاجرت یکصد هزار نفری به استان گلستان
۸۱۶	۳. اعتراضات مقامات محلی به کمبودها و محرومیت‌های مردم
۸۱۷	۴. رواج فرهنگ بت‌پرستی و خداگونه شدن شاه!
۸۱۸	مخالفت مردم انقلابی منطقه با برگزاری جشن‌های شاهنشاهی

۸۲۴ دستگیری مخالفان جشن

۸۳۵ جشن‌های ۳۵ سالگی سلطنت شاه

۸۴۹ اسناد بخش چهارم

۸۹۳ فهرست اعلام

www.ketab.ir

پیشگفتار ناشر

آنچه با عنوان «تاریخ محلی انقلاب اسلامی» خوانده می‌شود عبارت است از روایت رخداد‌های انقلاب اسلامی در یک حوزه محدود جغرافیایی که با تأثیر گرفتن از جریان کلی انقلاب و محورهای اصلی آن شکل گرفته و به فرجام رسیده است.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) با الهام از توصیه‌ها و رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و با اعتقاد به ضرورت ثبت وقایع انقلاب عظیم مردم ایران در چهار گوشه این سرزمین، اقدام به تدوین و تألیف تاریخ مبارزات مردم مناطق مختلف کشور نموده است تا برای همیشه روشن باشد که آنچه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اتفاق افتاد، خواسته و آرزوی اکثریت ملت ایران بود و همه در ایجادش سهم و شریک بودند. از این منظر انقلاب اسلامی ایران یک پدیده کاملاً ملی با اهداف دینی بود که با رهبریت واحد آیت‌الله العظمی امام خمینی به پیروزی رسید.

آنچه پیش روست جلد نخست از دفتر پنجم تاریخ‌های محلی انقلاب اسلامی است که نام «استان گلستان در انقلاب اسلامی» بر پیشانی دارد و به قلم آقای غلامرضا خارکوهی تدوین شده است. ضمن سپاس از وی، باید از زحمات آقایان دکتر فضل‌الله صلواتی، هدایت‌الله بهبودی و کارشناسان گروه تاریخ مؤسسه که هر یک سهمی در

ب □ گلستان در انقلاب (جلد اول)

ویراستاری، ارزیابی علمی و انجام امور مختلف این اثر تا رسیدن به مرحله چاپ
داشته‌اند قدردانی کرد.

گروه تاریخ

www.ketab.ir

مقدمه

۱. چشمه جوشان انقلاب

انقلاب اسلامی چشمه جوشانی بود که در مهر ماه سال ۱۳۴۱ از دل صخره‌های ظلمت طاغوت سربرآورد و با هدایت عالمانه خمینی کبیر و پشتیبانی مردمان فرهیخته و پیروان دل‌باخته او، رفته‌رفته مبدل به رودی طوفنده شد که هفده سال بعد — در روز ۲۲ بهمن سال ۵۷ — کاخ ۲۵۰۰ ساله ستم‌شاهی را از بیخ و بن برکند و رایحه دل‌انگیز دین و آزادی را بر پهن‌دشت این سرزمین منتشر ساخت و عطر افشان نمود. این چشمه زلال در طول هفده سال راه‌جویی خود در مسیر حرکتش با انواع خارها و صخره‌ها مواجه گشت، رژیم پهلوی از یک‌سو و طایفه متحجران و دشمنان کینه‌توز اسلام و ایران از داخل و خارج از سوی دیگر با اتحادی نامقدس، هر روز سدی بر سر راه این چشمه خروشان الهی ایجاد می‌کردند تا مانع از گسترش و نفوذ آن در میان اقشار گوناگون جامعه گردند. اما علی‌رغم این همه عداوت‌های داخلی و خارجی بتدریج مردم سرتاسر کشور دریافتند که تنها راه نجات آنها از شر طاغوت دوران، پیوستن به این رود عظیم و چشمه شفابخش است که هر شاخه آن چون شهری سیال به منطقه‌ای می‌رسید و کام تشنه مخالفان استبداد را همچون اکسیر زمزم، سیراب می‌نمود، و چنین بود که مردمان دیار گلستان نیز با پیوستن به این جریان عظیم و فراگیر الهی، جام بیداری

۳. ضرورت بازشناسی انقلاب

اگر عظمت انقلاب خود را به عنوان یک چشمه جوشان و حیانی در قرن بیستم باور داریم، پس باید بدانیم که شناخت آن یک ضرورت انکارناپذیر است. و این شناخت زمانی به جامعیت نزدیک می شود که ما شاخه های این رود خروشان را از نقاط مختلف کشور مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. تا آیندگان بدانند که انقلاب اسلامی ایران صرفاً محدود به چند شهر بزرگ نبوده است بلکه به صورت یک جریان فراگیر و گسترده سیاسی - تاریخی، سرتاسر کشور را بویژه از نیمه دوم دهه پنجاه به بعد در بر گرفت که با نادیده انگاشتن این موضوع، موجب نقصان بازشناسی انقلاب و بی اعتنایی به نقش ارزنده مردم شهرستان های مختلف می شود. نقش شهرستان های کشور در انقلاب اسلامی نیز بسیار برده است. هر چند متأسفانه با گذشت حدود سه دهه از پیروزی انقلاب به تدوین تاریخ شهرستانی انقلاب توجه چندانی نشده و حتی نقش شهرستان ها مورد بی مهری نیز قرار گرفته است. مگر چند تألیف شخصی که انجام گرفته و نیز گام هایی که در سال های اخیر از سوی برخی از نهادهای تحقیقاتی بویژه مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی، برداشته شده است. ولی همچنان جای نقش عمده شهرستان های ایران در مبارزات تاریخ بزرگ انقلاب ما خالی است و خلأ آن به طور جدی احساس می شود. در حالی که حضرت امام پرداختن به این موضوع مهم را مدت ها قبل از پیروزی انقلاب مورد تأکید قرار داده بودند و بر ضرورت نگارش مبارزات مردم شهرستان های مختلف توسط نویسندگان متعهد تأکید نموده بودند:

«لازم است برای بیداری نسل های آینده و جلوگیری از غلط نویسی مغرضان، نویسندگان متعهد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ این نهضت اسلامی بپردازند و قیام ها و تظاهرات مسلمین ایران را در شهرستان های مختلف با تاریخ و انگیزه آن ثبت نمایند. تا مطالب اسلامی و نهضت روحانیت سر مشق جوامع و نسل های آینده شود. ما که هنوز در قید حیات هستیم و مسائل جاری ایران را که در پیش چشم همه ما بروشنی اتفاق افتاده است دنبال می کنیم، فرصت طلبان و منفعت پیشگانی را می بینیم

که با قلم و بیان بدون هراس از هر گونه رسوایی مسائل دینی و نهضت اسلامی را بر خلاف واقع جلوه می‌دهند و به حکم مخالفت با اساس نمی‌خواهند، واقعیت را تصدیق کنند و قدرت اسلام را نمی‌توانند ببینند و شکی نیست که این نوشتجات بی‌اساس به اسم تاریخ در نسل‌های آینده آثار بسیار ناگواری دارد. از این جهت روشن شدن مبارزات احیل اسلامی در ایران از ابتدای انعقاد نطفه‌اش تاکنون و رویدادهایی که در آینده اتفاق می‌افتد از مسائل مهمی است که باید نویسندگان و علمای متفکر و متعهد بدان پردازند. درست آنچه را امروز برای ما روشن و واضح است برای نسل‌های آینده مبهم می‌باشد و تاریخ روشنگر نسل‌های آینده است و امروز قلم‌های مسموم در صدد تحریف واقعیات هستند باید نویسندگان امین، این قلم‌ها را بشکنند.^۱

این موضوع نشانگر آن است که حضرت امام نسبت به نقش‌آفرینی شهرستان‌ها و مبارزات از اعماق نقاط دور افتاده کشور هم ایمان داشتند و می‌دانستند که مردم شهرستان‌ها نیز در این انقلاب بیش از قیام‌های تنباکو، مشروطه، جنگل، مبارزه با کشف حجاب و نهضت ملی‌گرا صنعت نفت حضور فعالانه داشته‌اند. و از طرف دیگر نادیده انگاشتن نقش مردم شهرستان‌ها موجب تضعیف هویت تاریخی آنها در قرن بیستم و کم‌رنگ شدن حضور و مشارکت آنان در استمرار و سرنوشت این انقلاب عظیم می‌گردد. چرا که اگر نسل جدید نداند که پدران‌شان چه سختی‌ها برای پیروزی این مبارزه در مواجهه با نظام شاهنشاهی کشیده‌اند، چندان تعلق‌خاطری نسبت به پاسداری و استمرار انقلاب در خود احساس نمی‌کنند و خود را نسبت به سرنوشت انقلاب و نظام، بیگانه می‌پندارند و چنین تصور می‌کنند که انقلاب را مثلاً قمی‌ها و یا تهرانی‌ها و یا مشهدی‌ها به‌راه انداخته‌اند! پس باید خود آنها از آن محافظت نمایند!

۴. اهداف و روش‌ها

۱. هدف از این تألیف به‌طور کلی ارائه تصویری از نقش مردم استان گلستان در پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی است. اما اهداف و نتایج دیگری

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۳۴.

نیز در زیر مجموعه این تحقیق قرار می‌گیرد که لازمه تدوین چنین کتاب‌های تاریخی است، مثل:

(الف) کمک به بازشناسی درست رویدادهای انقلاب، از سال ۱۳۴۱ تا پیروزی آن، که نقش مهمی در حفظ اصالت انقلاب و استمرار آن بر مجرای اصیل خود دارد.

(ب) کمک به پیشگیری از تحریف انقلاب منطقه، توسط افراد معاند، ناآگاه و یا سکولار و احتمالاً پشیمان‌شده‌های دوران مبارزات.

(ج) کمک به توسعه ادبیات انقلاب اسلامی، بویژه در بخش تاریخ منطقه‌ای مبارزات که خود به‌خود مکمل تاریخ‌نگاری‌های مرکز محور، می‌شود. زیرا تاریخ‌های مرکز محور و معطوف شدن به تجزیه و تحلیل چند رویداد مهم و تکراری از حوادث مهم چند شهر بزرگ، نوعی خستگی و دلزدگی در میان خوانندگان پدید آورده است. لذا نگارش کتاب‌هایی مثل این مجموعه (تاریخ محلی) موجب تنوع و جهش مطالعه در مخاطبان و علاقه‌مندان این رشته می‌شود.

(د) ترسیم بخشی از سیاست‌ها و عملکردهای غلط رژیم شاه در منطقه و بخصوص در مواجهه با انقلابیون و نیز آثار و نتایج نامسار آن برای مردم استان گلستان. (س) بازشناسی برخی از روش‌های مبارزاتی انقلابیون در مقابله با سیستم حکومتی پهلوی، بویژه از طریق اطلاع‌رسانی و روشنگری.

(ک) شناخت احزاب و محافلی که دستی در مبارزات منطقه‌ای استان گلستان داشتند. ۲. روش انجام کار این تألیف و پژوهش، روش تلفیقی است. یعنی هم از روش مشاهده میدانی که خود شاهد برخی از رویدادها بوده‌ام استفاده شده و هم از روش پیمایشی که به‌وسیله پرسشنامه اطلاعات و خاطرات تعدادی از مبارزان گردآوری شده و برخی هم روی نوار ضبط شده است. همچنین از روش کتابخانه‌ای و بررسی منابع منتشر شده تاریخی هم استفاده شده است همچنین با مطالعه برخی از اسناد منتشر نشده عادی و محرمانه که برای جمع‌آوری اطلاعات این مجموعه به‌دست آوردم. و نیز استفاده از روش اقتضایی که شیوه ابتکاری شخصی می‌باشد و آن اینکه هر بخش یا

فصل متناسب با روشی که اقتضا می‌کرد به نگارش درآمده. در واقع روش اقتضایی دست مؤلف را برای جامع کردن پژوهش باز می‌گذارد و با استفاده از این روش مورخ می‌تواند از حداقل یافته‌های خود در پرداختن به یک موضوع مهم کمک بگیرد ولو آنکه به لحاظ کمی از نظر سطر و صفحه اندک باشد.

به‌طور کلی در نگارش این مجموعه تلفیقی از دو یا چند روش به‌کار رفته است. لذا این تحقیق مبتنی بر یک روش واحد و تک‌بعدی نیست.

در اینجا لازم به یادآوری می‌دانم که کتاب حاضر نه صرفاً مبتنی بر روش‌های سنتی است و نه صرفاً مبتنی بر روش‌های آکادمیک، بلکه مؤلف از هر دو نگرش در تألیف گزارش‌گونه وقایع استان گلستان بهره برده است. متأسفانه در سال‌های اخیر نوعی علم‌زدگی در کاربرد روش‌های خشک آکادمیک چنان بر تاریخ‌نگاری انقلاب سایه انداخته که بسیاری از زیبایی‌ها و ظرایف و حماسه‌آفرینی‌های تلخ و شیرین دوران مبارزه به‌خاطر تأکید بیش از حد بر روش‌های علمی، حذف و به عبارت دیگر محتوای فدای روش‌های خشک آکادمیک شده است. آنچنان‌که گویی نویسنده، بر رعایت شکل و اسلوب (روش‌شناسی) کار، بیش از غنا بخشی به محتوای آن تأکید و همت ورزیده است. به‌طوری که خواننده احساس می‌کند یک کتاب روش‌شناسی و یا حداقل یک کتاب درسی می‌خواند تا یک تاریخ عمومی و پُر حماسه انقلاب اسلامی را. لذا تأکید افراطی بر کاربرد روش‌های جدید که در این سال‌ها بشدت حتی در مراکز تاریخ‌نگاری انقلاب هم دنبال می‌شود، شاید برای پایان‌نامه‌های دانشگاهی و یا نگارش کتاب‌های درسی ریشه‌های انقلاب و کتاب‌ها و پژوهش‌هایی از این دست نباید باشد. ولی این نگاه الزاماً برای وقایع‌نگاری تاریخ انقلاب مفید نخواهد بود، بلکه مضر هم خواهد بود. چرا که تاریخ انقلاب بویژه در شهرستان‌ها، تنها برای یک قشر خاص دانشگاهی و یا ارسال آن به مجامع بین‌المللی تألیف نمی‌شود. بلکه مخاطب عام داخلی و محلی دارد که آنان روش‌های سنتی تاریخ را بهتر می‌پسندند تا روش‌های پوپری و شیوه‌های خشک آکادمیک فعلی را. گواه این هم آثار نویسندگانی است که در داخل و خارج از کشور به نگارش و تحلیل انقلاب اسلامی و یا وقایع‌نگاری آن پرداخته‌اند که برخی از

این آثار بارها و بارها تجدید چاپ شده و به عنوان مرجع تاریخ‌نگاری، مورد استفاده مؤسسات تحقیقاتی قرار می‌گیرند.

۳. علی‌رغم آنکه گفته می‌شود در تاریخ‌نگاری می‌بایست بی‌طرف بود، ولی باید توجه داشت که بی‌طرفی محض در نقل وقایع تاریخی امری تقریباً ناممکن و دست‌نیافتنی است.^۱ چرا که خواه‌ناخواه جهان‌بینی، عقاید سیاسی، علایق فردی و باورها و هنجارهای نویسنده و حتی اجتماعی که مؤلف در آن زندگی می‌کند، در نحوه انتخاب وقایع، چینش مطالب و تحلیل آنها، و بزرگ‌نمایی و کوچک‌پنداشتن آنها بر نوشته تأثیر می‌گذارد. بنابراین تاکنون هیچ کتاب تاریخی صد درصد بی‌طرفانه نگاشته نشده و نخواهد شد. لذا خواننده محترم نیز نمی‌بایست از نویسنده این کتاب چنین انتظاری داشته باشد. بویژه آنکه اینجانب با نگرش مکتبی و با اعتقاد به محوریت رهبری و اندیشه‌های حضرت امام خمینی (س) به بررسی انقلاب اسلامی در استان گلستان پرداخته‌ام؛ که حق هم همین است چرا که انقلاب ایران از ابتدای تکوین تا پیروزی همواره با محوریت اسلام که از زبان و قلم رهبر و سکانشان آن - امام خمینی - تراوش می‌کرد، استمرار یافت و مردم مسلمان هم به حکم اسلامی بودن این مبارزه به این نهضت پیوستند.

از سوی دیگر انقلاب اسلامی‌آکنده از جلوه‌های حماسی است و این ویژگی، ادبیات غالب مبارزه را در آن سال‌ها شکل می‌داد و حتی واژه‌ها و عبارات پیام‌های ارسالی مکتوب حضرت امام برای تداوم مبارزه، سر تا پا پر از تعابیر حماسی و شاعرانه است که علاوه بر آگاهی‌بخشی، احساسات مردم انقلابی را هم به غلیان می‌آورد و موجب تهییج و برانگیزندگی آنان می‌شود. لذا تاریخ‌نگار انقلاب برای آنکه بتواند درست به نگارش آن وقایع بپردازد، می‌بایست خود را در آن فضای فرهنگی و حماسی قرار دهد که در این صورت، خود به خود تحت تأثیر آن احساسات و حماسه‌های شورآفرین قرار می‌گیرد و در عین حال که می‌خواهد منطق کلامش محفوظ بماند، ولی قلم و

بیانش بی‌اختیار به آن سو سوق می‌یابد، که منظور در این کتاب چنین بوده است.

۴. تحقیق حاضر در عین حال که مبتنی بر وقایع‌نگاری است ولی حتی‌الامکان ضمن رعایت سیر زمانی، موضوعات برجسته و مهمی که اطلاعات آن در اختیار مؤلف بوده و اهمیت داشته را نیز در بخش‌ها و فصول جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم تا حق مطلب بیشتر ادا شود. مثل اطلاع‌رسانی در عصر مبارزه، انقلاب سفید شاه، مبارزات دانشجویی و

۵. در این کتاب ضمن حفظ محور تحقیق، سعی شده که نکات حاشیه‌ای نیز از قلم نیفتد و تا آنجا که یافته‌های ما اجازه داده، نکته‌های مهم و قابل توجه را نیز هر چند به‌صورت جمله معترضه آورده‌ایم تا هم غنای نوشته افزایش یابد و هم اندکی از حالت تک‌بعدی و یک‌نواختی خارج شود. به‌خاطر همین این کتاب علاوه بر علاقه‌مندان به تاریخ، می‌تواند مورد بهره‌برداری جامعه‌شناسان سیاسی، اقتصاددانان، دانشجویان رشته‌های جنگل و مرتع و متخصصان علوم کشاورزی (به‌خاطر طرح مباحثی در بخش انقلاب سفید) و علاقه‌مندان به رشته‌های ارتباطات (به‌خاطر مطالب بخش اطلاع‌رسانی در عصر مبارزه) هم قرار گیرد. و در لابه‌لای آن نکاتی نیز برای تاریخ‌خوانان محلی نیز مشاهده می‌شود که توجه آنها را به خود جلب خواهد نمود. البته این حاشیه‌ها نکات دور از ذهن و بی‌ربطی نیستند، بلکه نزدیک به جریان اصلی رویدادهای منطقه است که وجود آنها موجب افزایش بار معنایی و غنای موضوعات اصلی شده است.

۶. رویدادهای این کتاب در چهار گروه دسته‌بندی شده است.

۱. رویدادهای مرکز محور: شامل وقایع مهم تهران و قم و مشهد که تأثیری در مبارزات مردم استان گلستان داشته است.

۲. رویدادهای منطقه محور: شامل وقایعی که در شمال کشور اتفاق افتاده، مثل بحث ملی شدن و حیف و میل جنگل‌ها در استان‌های گیلان، مازندران و گلستان و سایر وقایعی که در استان گلستان تأثیر گذاشته است.

۳. رویدادهای استان محور: مثل جنایات سرلشکر مزین - نماینده شاه در

منطقه - که آثار آن در کل این استان مشهود است.

۴. رویدادهای شهرستان محور: مثل واقعه نوزده بهمن گرگان و یا بیست بهمن گنبد که اختصاص به یک شهر یا شهرستان استان داشت.

۷. در این کتاب سعی شده آنچه که برای مؤلف مستند بوده به نگارش درآید. لذا اگر نکاتی - چه منفی و چه مثبت - در مورد برخی از اشخاص آورده شده، نباید معیاری برای قضاوت در مورد شخصیت امروز آنها گردد، بلکه به قول حضرت امام: میزان حال فعلی افراد است. بنابراین چه بسا کسانی باشند که در آن دوره مخالف مبارزه بودند و پس از پیروزی بهترین خدمات را به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ارائه نمودند و باز چه بسا کسانی در آن زمان درد زنان و شکنجه و تبعید را هم چشیده باشند، ولی پس از پیروزی، افکاری مغایر با اندیشه‌های امام و مسیر انقلاب اتخاذ کرده‌اند و به صف مخالفان نظام پیوسته‌اند.

۸. در این کتاب از اسناد و خاطرات دست اول و یا کمیاب، زیاد استفاده شده و حتی برخی از این خاطرات با حوادث سایر شهرستان‌ها از جمله: خمین، مشهد، تهران، قم، آمل، ساری، بهشهر و... ارتباط پیدا می‌کند که برای تاریخ‌نگاران آن مناطق هم مفید خواهد بود.

۹. استفاده از این کتاب به هر شکلی اعم از تلخیص، مقاله، داستان، سناریو، نمایشنامه، برنامه‌سازی در صدا و سیما، رسانه‌های الکترونیک، صوتی و تصویری و... صرفاً با ذکر نام کتاب و مؤلف آن مجاز است.

۱۰. از آنجا که این کتاب صرفاً برای یک قشر خاص نوشته نشده، و برای مخاطب عام در نظر گرفته شده، لذا ادبیات آن ساده و قابل درک برای عموم تنظیم گردیده است.

۱۱. آنچه در این کتاب از قول اشخاص آمده مسئولیت صحت و سقم آن بر عهده گویندگان می‌باشد. هرچند که سعی مؤلف بر این بوده که از آوردن مطالب غیرواقع پرهیز نماید.

۱۲. در پایان هر جلد استاد و مدارک مطلب ضمیمه شده تا بر غنای نوشته

افزوده شود.

۱۳. در اینجا لازم می‌دانم به حکم وظیفه، سپاس بیکران خود را به درگاه ایزد منان به‌خاطر توفیق این پژوهش و عنايات ائمه اطهار(س) و نیز الطاف شهیدان گرانقدر، اعلام نمایم. سپس از همسر و دو فرزند گرامی‌ام به‌خاطر همکاری‌های فراوان و فراهم نمودن شرایط فراغت خاطر و آرامش افکار و حتی کمک در انجام این پژوهش عمیقاً تقدیر و تشکر کنم. و نیز می‌بایست تشکر ویژه‌ای هم از دوست ارجمندم جناب آقای محمدجواد مرادی‌نیا - مسئول گروه تاریخ - مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام و همکارانشان داشته باشم. علاوه بر این در اینجا از نکته سنجی‌ها و زحمات جناب آقای بهبودی برای تقویت غنای این اثر تشکر کنم. همچنین جا دارد که از همکاری‌های مرکز اسناد انقلاب اسلامی قدردانی نمایم و نیز از همه سازمان‌ها و مراکز و اشخاصی که در استان گلستان و در هر نقطه کشور در طول بیست سال گذشته مساعدت‌های خالصانه‌ای به تألیف این اثر و در اختیار گذاشتن اسناد و خاطرات ارزشمند خود به حقیر داشته‌اند، صمیمانه قدردانی نمایم.

۱۴. منابع این اثر علاوه بر اطلاعات، مشاهدات و تجربیات شخصی و تاریخی مؤلف، شامل موارد زیر می‌باشد:

- اسناد طبقه‌بندی شده (بکلی سرّی، سرّی، خیلی محرمانه و محرمانه) سازمان‌های امنیتی رژیم گذشته اعم از منتشر شده و یا منتشر نشده تا آنجا که در دسترس مؤلف بوده است.

- مطبوعات، کتاب‌ها و خاطرات منتشر شده قدیم و جدید.

- خاطرات شفاهی و مکتوب شاهدان عینی وقایع و مبارزان آن‌دوره، چه در غالب پرسشنامه و چه به‌صورت مکتوب یا ضبط شده بر روی نوار و یا در گفتگوهای دوطرفه که در اختیار مؤلف قرار دادند.

- نوارها، تصاویر و اطلاعاتی‌ها و مدارک به‌جامانده از دوران انقلاب به اندازه‌ای که نویسنده به آنها دست یافته است. لذا به این منظور هزاران سند و منبع مورد بررسی

قرار گرفت و با صدها نفر گفتگو شد، که شاید تعدادشان به هزار نفر رسید و مؤلف از نظرات، خاطرات، مساعدت‌های فکری و اسنادی آنها بهره‌مند شده است.

۱۵. این کتاب در سیزده بخش و در غالب سه جلد تنظیم شده که در عین پیوستگی، هر جلد می‌تواند مجزای از هم مورد مطالعه قرار گیرد:

جلد اول شامل

- بخش اول: استان گلستان از مشروطه تا انقلاب اسلامی
- بخش دوم: انقلاب سفید در استان گلستان
- بخش سوم: تحوین انقلاب اسلامی در استان گلستان
- بخش چهارم: جشن‌های شاهنشاهی در استان گلستان

جلد دوم شامل

- بخش پنجم: اطلاع‌رسانی در عصر مآزره
- بخش ششم: احزاب و محافل انقلابی
- بخش هفتم: دهه پنجاه، عصر روشنگری و خیزش
- بخش هشتم: اربعین‌ها در استان گلستان

جلد سوم شامل

- بخش نهم: تبعیدی‌های استان گلستان
- بخش دهم: بی‌ثباتی در جزیره ثبات
- بخش یازدهم: حماسه پنجم آذر در استان
- بخش دوازدهم: محرم سال ۵۷ در استان
- بخش سیزدهم: حماسه پیروزی انقلاب اسلامی ایران.

۱۶. اینجانب به‌خاطر علاقه‌مندی به نگارش تاریخ و وقایع انقلاب، این کار را از سال ۱۳۳۳ آغاز نمودم و جرعه آن‌هم بر سر مزار شهدای پنجم آذر سال ۵۷ گرگان در ذهن من ایجاد شد که تاکنون (۲۳ سال) از سال‌های جوانی را صرف گردآوری اسناد انقلاب اسلامی در استان گلستان نمودم. به‌طوری که برخی از خاطرات این کتاب - مثل خاطرات شهید محمد نقی صلیبی که در سال ۶۳ از خود آن شهید گرفته شده است. و یا

برخی از نوارهای مصاحبه، مربوط به سال‌های ۶۴ و ۶۵ و یا پس از آن می‌باشد. متأسفانه تاکنون برخی از کسانی که مرا با اسناد یا خاطرات و یا اطلاعات خود یاری کرده‌اند شهید یا فوت شده‌اند. در طول این سال‌ها علاوه بر زجر و زحمت زیاد علمی، مادی و اجتماعی که خود متحمل شده‌ام، همسرم نیز شریک مشقات این کار عظیم بوده است - اجره عندالله. برای تهیه اسناد و مدارک از نان خشک فروشی گرفته تا انبارهای آلوده و متعفن و از گرگان گرفته تا گنبد و تهران و از روستاها گرفته تا جنگل و کوه و صحرا، و هر جا که توانستم در طول این سال‌ها برای تهیه اسناد و گردآوری اطلاعات سرزده‌ام و حتی تا پای جان دادن، علت ۳۵ درصد مجروحیت حقیر در سال ۶۶ در همین راستا اتفاق افتاده است که ذکر این زحمات خود کتاب خاطرات مجزایی می‌شود. لذا آنچه اینک در قالب این اثر ارائه می‌شود، بخشی از تلاش‌های بیش از دو دهه علاقه‌مندی و احساس تکلیف من نیست به نهضت امام عزیز و احساس مسئولیت در انتقال آن به نسل جدید می‌باشد و گرنه بهترین سال‌های جوانی را، با هیچ‌چیز نمی‌توان جبران کرد، مگر با لطف پروردگار و شفاعت اولیاءالله و شهیدان این حماسه. با این وجود ادعا نمی‌کنم که کاری کامل و بی‌نقص ارائه کرده‌ام، ضمن پوزش به‌خاطر کاستی‌های آن، آنچه نوشته‌ام بر اساس یافته‌ها و دانسته‌هایم بوده که خود به آن رسیده‌ام و گرنه همه منابع و اسناد و اطلاعات در دسترس بنده نبود تا بهتر و کاملتر از این بنگارم. شاید در آتیهِ اطلاعات و منابع دیگری به‌دستم برسد و توفیق تکمیل آن را بیابم. ان شاءالله

خدا یا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و مرا رستگار

www.ketab.ir

پیشگفتار

سیری در تاریخ استان گلستان

استان گلستان بزرگترین و آبادترین منطقه شمال ایران بوده است این سرزمین تا نیم قرن پیش موسوم به ایالت استرآباد بوده و سابقه تمدن در آن با توجه به کاوش‌های باستانشناسی به بیش از شش هزار سال قبل برمی گردد و در واقع یکی از قدیمی ترین ایالت‌های ایران و مرکز عمده تمدن پیش از آریایی‌ها در شمال ایران می‌باشد و در گذشته وسعت آن به تنهایی بیش از کل وسعت در ایالت طبرستان و گیلان بوده و با سرزمین‌های وسیعی چون سغد و خوارزم برابری می‌کرده است.^۱ مهمترین شهرهای تاریخی این استان جرجان و استرآباد نام داشته و متأسفانه تاریخ‌نویسان گذشته و حتی معاصر، تاریخ گذشته این دو شهر را مغشوش کرده‌اند، به طوری که برخی از حوادث تاریخی معلوم نیست که مربوط به جرجان است یا استرآباد. در حالی که استرآباد همین گرگان فعلی است و جرجان شهری بود که اهالی آن در دوره مغول قل‌عام شدند و در لشکرکشی‌های تیمور بکلی ویران گردید، خرابه‌های به جای مانده از آن اکنون در سه کیلومتری گنبد کاووس مشاهده می‌شود. و پس از آن بود که شهر استرآباد (گرگان امروز) رونق و شکوه بیشتری به خود گرفت.^۲

۱. فرزانه‌گان، مهدی؛ سیری در جغرافیای انسانی منطقه گرگان؛ ص ۵.

۲. ذبیحی، مسیح؛ گرگان نامه؛ ص ۲۹.

جرجان

بنا به شواهد تاریخی شهر جرجان قدیمی و معروف‌ترین شهر استان گلستان بوده که حمزه بن یوسف السهمی (مؤلف کتاب *تاریخ جرجان* و متوفی سال ۴۲۷ ه.ق.) بنای آن را به جرجان بن لاودبن سام بن نوح پیامبر نسبت داده است و ابن اسفندیار در *تاریخ طبرستان* احداث آن شهر را به گرگین میلاد در زمان کیخسرو نسبت می‌دهد. مرحوم سعید نفیسی نیز در جلد اول کتاب *تمدن دوره ساسانی* بنای آن را به دست فیروز ساسانی اعلام می‌کند. خلاصه آنچه از بعضی منابع تاریخی مثل «*تاریخ طبرستان*» و «*شاهنامه فردوسی*» مستفاد می‌شود، این است که شهر جرجان در اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی بنا شده است.^۱ خرابه‌های این شهر اکنون در حاشیه گنبد قابوس فعلی هنوز موجود است. جرجان بر ویرانه‌های شهر و قلعه‌ای از دوره ساسانی ساخته شده است. این شهر از دوره زیاریان تا قرن ۶ ه.ق. در اوج شکوه و عظمت بود. و مهد علم و ادب محسوب می‌شد. بزرگان و دانشمندان زیادی داشت. صنایع سفالگری و شیشه‌سازی در اوج ظرافت و تولید انبوه بود. متأسفانه بر اثر درگیری‌های متعدد بین حکومت‌های محلی از جمله سامانیان و زیاریان و آل‌بویه و سپس زلزله سال‌های ۲۶۰ ه.ق. رو به انحطاط گذاشت و عاقبت با حمله مغول قسمت اعظم شهر ویران شد. سال‌ها بعد شهر گنبد قابوس فعلی در مجاورت ویرانه‌های به‌جا مانده از جرجان بنا گردید.

جرجان در دوران اوج خود بسیار بزرگ و حدود ۱۲۰۰ هکتار وسعت داشت. شهر دارای کوی‌ها و مساجد و کاروانسراهای بزرگ بود. کوی‌های مهم آن عبارت بودند از: فرس، سلیمان‌آباد، قصابین، عبدالواسع (احتمالاً قسمت اعیان‌نشین شهر بوده)، محله مسجد دینار، ابی عمران بن هانی، انصار، نخل، قومسیان، راه‌حیان، کوی‌کنده، بادمجان، خراسان، بارگاه، حجاج، برید، محرز، موالی، شجاع محتسب، خضرمین، اساکفه،

۱. همان؛ ص ۳۳ - ۳۴.

۲. معطوفی، اسدالله؛ *استرآباد و مگرگان در بستر تاریخ*؛ ص ۵۰.

مرزبان.

مساجد بزرگ آن عبارت بودند از: مساجد شیخ ابی بکر اسماعیل، محارب، قریش، حمراء یا مسجد ابن ابی رافع، بنی اسد، عشیره یا مسجد بر جوبراه عطار، موالی خثعم یا مسجد داود بن عبدربه، همدان، بنی ضبه، ازد، بنی عجل، تیم بن ثعلبه، بنی قیس بن ثعلبه، حضرمین، بنی سنان، افناء العرب یا مسجد بصرین، بنی ذهل، (مسجد جامع خروشان)، مراد (مسجد سراجین)، نخله، قضاعه، بنی تمیم، عبدالقیس، زفر، جناز.

کشاورزی شهر جرجان نیز بسیار پر رونق و احتمالاً از سیستم آبیاری خوبی برخوردار بوده است. آنچه از کتب مورخین مستفاد است محصولات مهم آن بدین قرار بود: خرما، زیتون، ترنج، انجیر، انار، عناب، خربزه، بادمجان و... شهر قبرستان بسیار بزرگی داشته که به قول اصطخری در هیچ شهر دیگری به بزرگی آن یافت نمی شد. جرجان به وسیله رودخانه به دو قسمت شهرستان و بکرآباد (احتمالاً این قسمت سنی نشین بوده) تقسیم می شد و به وسیله پل های آجری به هم مربوط می شدند. دو رشته حصارهای داخلی و خارجی که در وسط آن خندقی قرار داشت شهر را محصور کرده بود. مصالح حصار آجر، گچ و سنگ و ابعاد آن بیشتر ۲۵×۲۵×۵ سانتی متر بود. ارگ شهر در قسمت مرکزی با شکل شش ضلعی در بلندترین نقطه قرار داشت. خیابان های شهر شبکه بندی و از شمال به جنوب و شرق به غرب کشیده شده بودند. در خرابه های جرجان بناهایی از دوره سامانی و سلجوقی و ایلخانی بوده است. در دوره سلجوقی با تعمیرات کلی در شکل شهر و احداث خیابان های متعدد، شهر زیبایی خاصی یافت. آثار عصر سامانی شامل یک تالار ستون دار و کوره های آهگری است. شهر کانال های سرپوشیده یا فاضلاب سراسری داشته. کارگاه های صنعتی در حاشیه یکی از خیابان ها واقع بود که فاصله چندانی به مرکز و ارگ نداشت. مصالح ساختمان های داخل شهر: آجر، سنگ گچ و آهک بود. اما ابن حوقل بیشتر ساختمان های شهر جرجان را از گل دانسته است.^۱

استرآباد

پس از نابودی شهر جرجان، شهر استرآباد به عنوان مهمترین شهر این منطقه مورد توجه و شکوفایی قرار گرفت. بنا به نوشته کتاب *حدود العالم* در نخستین سده های تاریخ اسلام و در دورانی که جرجان ناحیه و شهری بزرگ و باشکوه بود، ظاهراً استرآباد شهری کوچک، اما خرم و پر نعمت محسوب می گردید.^۱ رفته رفته این شهر توسعه یافت و مورد توجه مردم منطقه و حکام محلی و غیر محلی واقع شد. به طوری که در زمان خلافت هارون الرشید حمزه خارجی با نیروهای هارون الرشید در خراسان درگیر شد و شکست خورد. به استرآباد آمد و در آنجا پناه گرفت و حتی در دوره طاهریان [۲۰۶-۲۵۹ ه.ق.] محل سکونت و پایگاه نظامی سلیمان بن عبدالله طاهر برای جنگ با حسن بن زید علوی در این شهر قرار داشت. تا اینکه در ۲۶۰ ه.ق. یعقوب بن لیث صفاری، استرآباد را از سیطره حسن بن زید علوی خارج کرد. در زمان حکومت عمرولیث صفاری و در نبرد رافع بن حرثمه با محمد بن زید علوی، محمد در جرجان شکست خورد و به استرآباد پناه برد و رافع شهر را به مدت دو سال به محاصره گرفت و بنابر روایت ابن اثیر در این ایام نرخ خواروار در آن دیار چنان افزایش یافت که مردم بشدت در مضیقه افتادند. استرآباد بعدها نیز با بروز خصومت میان عمرو و رافع و نزدیکی این یک با محمد بن زید، شهر به تصرف علویان درآمد. با قدرت گرفتن سامانیان، محمد بن زید توسط لشکریان محمد بن هارون، حاکم جدید اسماعیل سامانی، در نزدیکی استرآباد به قتل رسید.

این شهر در هنگام حکومت سامانیان یکی از مراکز مهم ضرب سکه بود. در زمان حکومت احمد بن اسماعیل سامانی، استرآباد بار دیگر زیر نفوذ علویان درآمد. و از آن پس استرآباد میان امرای سامانی و علویان دست به دست می گشت، و ماکان بن کاکی از سوی علویان به حکومت استرآباد راه یافت. استرآباد در نبرد اسفار بن شیرویه، حاکم ساری، در ۳۱۵ ه.ق. با ماکان بن کاکی همچنان در تصرف دست نشانده علوی باقی

۱. مجهول المؤلف (سال ۳۷۲ هجری)؛ *حدود العالم*؛ به کوشش منوچهر ستوده؛ ص ۱۴۳ - ۱۴۴.

ماند. در زمان حکومت وشمگیر و درگیری‌های او با ماکان و سپس حسن فیروزان، حاکم ساری، بارها شهر به تصرف طرفین درآمد.

پس از مرگ وشمگیر در ۳۵۷ ه. ق. آل‌بویه دست‌اندازی به متصرفات آل‌زیار را گسترش داد و با آنکه قابوس از امیر سامانی کمک طلبید و سردار وی حسام‌الدوله ابوالعباس تاش، شهر را به مدت دو ماه به محاصره گرفت، اما با مقاومت مؤید الدوله، استرآباد همچنان در تصرف حکام آل‌بویه باقی ماند. استرآباد تا ۳۸۷ ه. ق. در تصرف حکومت آل‌بویه بود تا آنکه قابوس با یاری شهریار بن قارن قدرتی به‌هم رساند و حسن فیروزان نیز در ۴۸۸ ه. ق. در حفظ استرآباد برای فرمانروایان آل‌بویه توفیق نیافت. مسعود غزنوی به بهانه خردداری مردم گرگان و طبرستان از پرداختن خراج، در حدود سال ۴۲۵ ه. ق. به آن نواحی لشکر کشید و حاکم استرآباد، شهر اگیم بن سوریل، نیز با لشکریان غزنوی جنگید و مغلوب شد؛ پس از آن سلطان مسعود به استرآباد آمد و چند روزی در آنجا اردو زد.

پس از مرگ سنجر در ۵۵۳ ه. ق. ۱۱۵۸ م و آشفته بودن اوضاع خراسان و نزاع سرداران وی بر سر قدرت، آشوب و فرقه‌گرایی مذهبی در استرآباد روی داد. پس از مرگ سلطان ایل ارسلان خوارزمشاه در ۵۶۵ ه. ق. ناحیه استرآباد محل درگیری‌های خانوادگی خوارزمشاهیان بر سر قدرت شد. در همین سال مؤید الدین ایبک، سردار خوارزمشاهی، به استرآباد حمله برد و ناموفق ماند، اما در بورس دیگر توانست شهر را تصرف کند و امور آن ولایت را به اختیار الدین قوשתم، برادر خود، واگذارد. استرآباد پس از قدرت یافتن تکش و کشته‌شدن ایبک بار دیگر در اختیار خاندان باوندی قرار گرفت، اما با بروز اختلاف میان تکش و حسام‌الدوله، حاکم استرآباد، تکش به این شهر لشکر کشید و ویرانی بسیاری به‌بار آورد.

باوندیان پس از ترک استرآباد بار دیگر آنجا را پس از مرگ تکش در ۵۹۶ ه. ق. و در سال‌های نخست حکومت سلطان محمد خوارزمشاه به تصرف خود درآوردند اما محمد خوارزمشاه با راندن غوریان از خراسان و با استفاده از چنددستگی در خاندان باوندی در ۶۰۴ ه. ق. بدانجا دست یافت.

استرآباد در هجوم مغول آسیب بسیار دید جنتمور، حاکم خراسان و مازندران، در ۶۳۰ هـ ق نصرت‌الدین کبود جامه را حاکم نواحی کبود جامه و استرآباد قرار داد. به گفته عظاملک جوینی، استرآباد و شهرهای دیگر آن حدود، در این ایام به دست پیروان فرقه اسماعیلیه ویران شده بود. استرآباد در دوره ایلخانان محل درگیری امیران و پسران ارغون خان بود. با گسترش نهضت سرداران در جنگی که در ۷۴۳ هـ ق. میان امیر وجیه‌الدین مسعود سربدار و برادر طغاتی‌مور، حاکم ایلخان جرجان، روی داد، استرآباد مدتی کوتاه به دست امیر مسعود افتاد. در دوره خواجه یحیی کرابی ۷۵۳ - ۷۵۹ هـ ق. که سربداران روی به استرآباد آوردند و طغاتی‌مور که به ترفند می‌خواست سران سربداران را در مجلسی به قتل برساند، خود به نیرنگ دچار آمد و در ۷۵۳ یا ۷۵۴ هـ ق. در نزدیکی استرآباد کشته شد. پس از مرگ طغاتی‌مور، امیر ولی پسر شیخ علی هندو، حاکم استرآباد، به شهر نسا گریخت و پس از گردآوری سپاه بر پهلوان علی بلقندر، حاکم سربداری استرآباد هجوم آورد و شهر را تصرف کرد. با آغاز منازعه میان مرعشیان و امیر ولی در ۷۸۱ هـ ق. در کشمکشی شهر به تصرف مرعشیان درآمد (کتاب مرعشی، ۴۱۶ - ۴۱۸). اما با قدرت گرفتن امیر تیمور در ماوراءالنهر آنان با امیر ولی صلح کردند و استرآباد را به او واگذارند. امیر تیمور در ۷۸۶ ق استرآباد را به تصرف درآورد و لقمان پسر طغاتی‌مور را که پیشتر از سوی امیر ولی برکنار شده بود، بار دیگر به حکومت استرآباد رساند. این حکومت سپس به پسر لقمان، یعنی پیرک (پیر پادشاه) رسید. ترمدهای پیرک سبب شد تا شاهرخ در ۸۰۹ یا ۸۱۰ ق به استرآباد هجوم برد و حکمرانی آنچلیدار به پیرک عمر بسپارد. میرزا عمر، و پس از او سلطان علی بیک، پسر پیرک، که هر یک از سوی شاهرخ به حکومت استرآباد رسیده بودند، بر ضد وی شوریدند و سرانجام سرکوب شدند، تا آنکه شاهرخ یکی از نزدیکان خود به نام میرزا الغ بیک را به حکومت استرآباد گماشت. در نزاع‌های خانوادگی پس از مرگ شاهرخ، بارها استرآباد محل کشمکش بوده است.

در ۸۵۵ هـ ق. میان دو فرزند بایستقر، یعنی میرزا سلطان محمد و میرزا ابوالقاسم

پیشگفتار □ ل

بابر بر سر حاکمیت استرآباد در نزدیکی آن شهر جنگی در گرفت که به کشته شدن سلطان محمد انجامید و شهر به تصرف بابر درآمد. درگیری شاهزادگان تیموری پس از مرگ بابر بر سر حاکمیت استرآباد ادامه یافت و منجر به مداخله نظامی جهانشاه قراقویونلو شد که به روایتی به تحریک امرای مازندران و به قولی که به خواسته بابا حسن، حاکم استرآباد، بوده است. در ۸۶۲ هـ ق میان جهانشاه قراقویونلو و سلطان ابوسعید پیمان صلحی منعقد شد و حکومت استرآباد به خاندان تیموری بازگردانده شد. پس از مرگ ابوسعید در ۸۷۳ ق، استرآباد نیز در سال ۸۷۴ ق به تصرف سلطان حسین بایقرا درآمد. وی مدتی حکومت استرآباد را به امیر علی شیر نوایی واگذار و اندکی بعد پسر خود بدیع الزمان را به حکومت آن شهر گماشت. پس از برکناری بدیع الزمان درگیری‌های خشونت‌آمیزی میان بازماندگان سلطان حسین بر سر حکومت استرآباد در گرفت. با پایان یافتن حکومت امیران تیموری در خراسان، استرآباد نیز به تصرف لشکریان شیک‌خان ازبک درآمد. پس از پیروزی شاه اسماعیل صفوی بر سپاهیان ازبک در ۹۱۶ ق استرآباد نیز حاکمی از سوی دولت صفوی یافت. در آغاز سلطنت شاه طهماسب اول (سال ۹۳۰ - ۹۸۴ ق) عبید خان ازبک در ۹۳۴ ق رو به استرآباد نهاد و شهر را تصرف کرد و پسر خود عبدالعزیز سلطان را حاکم آن قرار داد. نبرد میان لشکریان صفوی و ازبک در سال‌های ۹۳۵ تا ۹۴۳ ق ادامه داشت و شهر، گاه در تصرف ازبک‌ها بود و گاه در دست صفویان.

استرآباد در سال ۹۴۴ ق شاهد شورش جماعتی به نام سیاه‌پوش بر ضد دولت مرکزی بود که توسط لشکریان طهماسب سرکوب شد و شهر از تصرف شورشیان به درآمد، حملات ازبکان به استرآباد در ۹۵۰ ق نیز ادامه یافت، تا آنکه شاه‌علی سلطان استاجلو، حاکم استرآباد، در سال ۹۵۵ ق بر آنان فایق آمد و شهر را از ویرانی بیشتر نجات داد.

استرآباد نخستین بار در عهد شاه عباس اول (سال ۹۸۶ - ۱۰۳۸ ق) ایالت خواننده شد. در دوره شاه صفی (سال ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ق) شاه عباس دوم (سال ۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ق) و شاه سلیمان صفوی (سال ۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ ق)، آشوب‌های استرآباد به سبب طغیان قبایل

ترکمن ادامه یافت. با راه یافتن ضعف در حکومت صفوی هرج و مرج در ناحیه استرآباد نیز بیشتر شد و پس از سقوط اصفهان در ۱۱۳۵ هـ ق به دست لشکریان افغان، طهماسب میرزا (جانشین سلطان صفوی) از دولت روسیه استمداد کرد و با انعقاد قرارداد ۱۱۳۵ هـ ق. ۱۷۲۳م. ایالت استرآباد نیز در اختیار روسیه قرار گرفت. نادر شاه افشار پس از راندن افغان‌ها، قرارداد طهماسب میرزا را با روسیه فسخ کرد و استرآباد را در ۱۱۴۴ هـ ق. ۱۷۳۲م از روسیه پس گرفت. پس از کشته شدن نادر در ۱۱۶۰ ق محمد حسن خان قاجار توانست استرآباد و نواحی مازندران و گیلان را به تصرف خود درآورد. کریم خان زند در اواخر سال ۱۱۶۵ ق قلعه استرآباد را مدت‌ها محاصره کرد، ولی طرفی نیست، با کشته شدن محمد حسن خان قاجار در ۱۱۷۲ ق استرآباد به تصرف کریم خان زند درآمد و محمد حسن خان قاجار نیز حاکم استرآباد شد. پس از مرگ کریم خان در سال ۱۱۹۳ ق آقا محمد خان قاجار از شیراز رو به مازندران و استرآباد نهاد و به رغم مخالفت برادرانش، استرآباد را در ۱۱۹۶ ق تصرف کرد و رحیم خان دولو را منصب بیگلربیگی استرآباد داد.^۱

خلاصه اینکه، استان گلستان منطقه‌ای است که حمله غزها، ترک تازی‌های تاتارها، ویران‌گری‌های مغول‌ها، ظلم و ستم و بیدادگری‌های اسوی‌ها و عباسیان را از سر گذرانده، زیر ضربات سم اسب‌های خوارزمشاهیان و سلجوقیان از پا درنیامده و سرانجام جنگ‌ها و خونریزی‌های ناشی از سکونت ایل قاجار را تحمل کرده و تا امروز سرفراز و استوار برپای ایستاده است. این خطه خود منطقه‌ای تاریخ‌دار و تاریخ‌ساز است با قدمتی تاریخی که نامداران بسیاری به خود دیده است و شاید به‌خاطر همین نام‌آوران بوده که حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه، گرگان را شهر بزرگان نام نهاده است:

«چنین تا به شهر بزرگان رسید»

«ز ساری و آمل، به گرگان رسید»

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ زیر نظر سید کاظم یجنوردی؛ ج ۳، ص ۱۷۶-۱۷۸.

«از این گونه لشکر به گرگان کشید»

«سوی تاج و تخت بزرگان کشید»

ادیبان، امیران، شاعران و دانشمندان و فقهای بسیاری از این منطقه برخاسته‌اند. قابوس ابن وشمگیر زیاری، مؤلف *کمال‌البلاغه*، کیکاوس ابن اسکندر ابن قابوس، مؤلف *قالب‌سنانامه*، فخرالدین اسعد گرگانی، سراینده *ویس و رامین*، *میر سید شریف جرجانی*، *عبدالقاهر جرجانی* (گرگانی)، اسماعیل گرگانی، پزشک نامدار و مؤلف بزرگترین کتاب پزشکی عصر خود به نام *ذخیره‌خواه‌ارزشاهمی*، ابوسهل مسیحی گرگانی پزشک و مؤلف *یازده جلد کتاب پزشکی*، ابوسیلک گرگانی، نعیمی استرآبادی، میرزا مهدی‌خان استرآبادی، وزیر و یکی دانشمند نادرشاه افشار و ده‌ها ادیب و طبیب و هنرمند دیگر بخصوص دو نسلوف بزرگ قرن یازده میرداماد و میرفندرسکی (که در روتق بخشیدن به فلسفه در جهان اسلام نقش محوری داشته‌اند) در صفحات زرین تاریخ گرگان درخشانده‌اند.^۱ شاید به‌خاطر وجود چنین اندیشمندان متعهد و مردم با ایمان بود که در دوره‌ای از تاریخ، استرآباد را «دارالمؤمنین» می‌نامیدند.

سیمای فعلی استان گلستان

مشخصات جغرافیایی استان گلستان

استان گلستان در حال حاضر (سال ۸۵) ۱۷۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد و با داشتن ۲۰۴۳۷/۷۴ کیلومتر مربع مساحت، ۱/۳ درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این استان بین ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه و ۲ ثانیه تا ۳۸ درجه و ۷ دقیقه و ۶ ثانیه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۲۱ دقیقه و ۴ ثانیه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و در بخش شمالی کشور ایران واقع شده است. این منطقه از شمال به کشور ترکمنستان، از جنوب به استان سمنان، از شرق به استان خراسان شمالی

۱. خلاصه مقالات سمینار رشد و توسعه منطقه گرگان (۱۵ و ۱۶ مهر سال ۷۱): مقاله جلوه‌های ویژه در حیات

تاریخی گرگان: دکتر جعفر حمیدی؛ ص ۱.

و از غرب به دریای خزر و استان مازندران محدود می‌شود. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۳ این استان شامل ۱۱ شهرستان، ۲۴ شهر، ۲۱ بخش و ۵۰ دهستان می‌باشد.

عوامل اصلی تشکیل‌دهنده اقلیم این استان را می‌توان به عوامل بیرونی (فراابر سیبری، سیستم کم‌فشار مدیترانه، بادهای موسمی و...) و عوامل محلی (عرض جغرافیایی، ناهمواری‌ها، منابع آب و...) تقسیم کرد:

۱. فراابر سیبری: این سیستم در دوره سرد سال فعال می‌باشد و ورود چنین سیستمی سبب کاهش دما، سرمای شدید و پدیده یخبندان در استان می‌گردد. چنانچه سیستم مزبور قوی باشد به همان نسبت دمای هوا کاهش می‌یابد.

۲. سیستم کم‌فشار مدیترانه: این سیستم به همراه توده‌های ناشی از مرکز کم‌فشار باران‌زا، بیش از نیمی از ریزش‌های جوئی استان را باعث می‌شود. دوره فعالیت آن فصول سرد سال بوده و در نقاط پست و ارتفاعات به ترتیب به صورت باران و برف ظهور می‌نماید.

۳. عرض جغرافیایی: استان گلستان در محدوده منطقه معتدله شمالی قرار گرفته که این عامل نقش مؤثری را در اقلیم استان بر عهده دارد.

۴. ناهمواری‌ها: قسمت جنوب و شرق استان را کوهستان تشکیل می‌دهد این کوه‌ها به‌طور موازی و جهت آنها تقریباً شرقی - غربی بوده و دنباله سلسله جبال البرز می‌باشد. این کوه‌ها از منطقه هزار جریب (استان مازندران) شروع شده و به صورت نواری هلالی شکل، امتداد پیدا کرده و در شرق و شمال شرقی استان به کوه‌های آلاداغ، بینالود و هزار مسجد در استان خراسان شمالی می‌پیوندد. همچنین کوه شاهوار، با ارتفاع ۳۹۴۵ متر بلندترین و نقاط ساحلی با ارتفاع ۲۶ متر پست‌ترین نقاط استان گلستان می‌باشند.

۵. منابع آب: شامل آب‌های سطحی و آب‌های زیرزمینی است:

الف) آب‌های سطحی

۱. رودها: استان گلستان با توجه به وضعیت خاص اقلیمی دارای چند رودخانه پر

آب است که این رودخانه‌ها عبارتند از:

- رودخانه قره‌سو: از ارتفاعات کوه قلعه‌ماران سرچشمه می‌گیرد و بعد از گذشتن از چندین دهستان بین شهرهای ترکمن و بندرگز به خلیج گرگان می‌ریزد. طول رودخانه ۱۶۰ کیلومتر و در جنوب استان با جهت شرقی - غربی جریان دارد. عمده‌ترین شاخه‌های آن شامل گرمادشت، چهل و چهار آب، شصت کلا، فسن‌رود، النگ‌دره، توشن و زیارت می‌باشد.

- گرگانرود: جهت این رودخانه از سرچشمه تا جنوب شهر آق‌قلا تقریباً شمالی - جنوبی بوده و سپس شرقی - غربی می‌گردد. گرگانرود در تمامی دشت گرگان جریان داشته و آن را به دو قسمت تقسیم می‌کند. مساحت حوضه آبریز آن ۱۰۲۵۰ کیلومتر مربع می‌باشد و در جهت بستر اصلی آن از شمال شرقی به جنوب غربی بوده و از ارتفاعات جنگل گلستان کوه‌های گل‌دوغ و آلاداغ سرچشمه می‌گیرد و طول آن ۳۵۰ کیلومتر است. مهمترین شاخه‌های آن دوغ، زار، اوغان، چهل‌چای، زرین‌گل، رامیان، نوده، رودبار و محمدآباد می‌باشد. متوسط آبدهی سالانه آن حدود ۹۲۰ میلیون مترمکعب می‌باشد که حدود ۴۲۰ میلیون متر مکعب آن به مصرف کشاورزی می‌رسد.

- رودخانه اترک: از کوه‌های استان خراسان شمالی (ارتفاعات جنوب شرقی شهرستان قوچان) سرچشمه گرفته، طول آن ۵۴۵ کیلومتر بوده و در قسمت شمالی استان با جهت شرقی - غربی جریان دارد. مهمترین شاخه‌های آن شامل سومیار، آجی‌سو، آق‌سو، خرتوت و... می‌باشد. متوسط حجم آبدهی سالانه آن در محل ایستگاه چات ۵۳۴ میلیون متر مکعب ثبت شده است.

- رودخانه‌های حوضه خلیج گرگان: این رودخانه‌ها به‌صورت شاخه‌های مستقل از دامنه‌های شمالی ارتفاعات جنوبی شهرستان بندرگز و کردکوی سرچشمه گرفته در قسمت جنوب غربی استان با جهت جنوبی - شمالی جریان دارد. مهمترین شاخه‌های آن شامل کارکنده، باغو، گز، جفاکنده، زواردشت، بالاجاده، چقر، نوچمن نام دارد که به رودخانه‌ی قره‌سو می‌ریزند.

۲. سدها:

- سد گرگان: در شصت کیلومتری شمال شرقی گرگان قرار داشته و گنجایش مخزن کل آن ۱۰۰ میلیون متر مکعب آب است.

- سد کوثر: در سیزده کیلومتری جنوب شرقی گرگان در روستای نومل واقع شده و گنجایش سد آن به ۷/۵ میلیون متر مکعب آب است.

۳. دریای خزر: دریای خزر با وسعتی حدود ۴۳۸۰۰۰ کیلومتر مربع، بزرگترین دریاچه جهان به شمار می رود این دریاچه بین کشورهای ایران، روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان واقع شده است و سواحل جنوبی آن از خلیج حسینقلی تا آستارا مربوط به خط ساحلی ایران است. کهن ترین نام این دریاچه «هیرکانی» است. پس از آن نام های «آسکون»، «طبرستان»، «قزوین»، «دیلم»، «مازندران»، «گرگان»، «گیلان» و «خزر» برای این دریاچه استفاده شده است. در نقشه ها و کتب خارجی نیز این دریاچه به دریای «کاسپین» معروف است. عمق این دریا از شمال به طرف جنوب افزایش یافته به طوری که عمق متوسط نواحی شمالی آن از شش متر تجاوز ننموده در صورتی که در جنوب و جنوب غربی حداکثر به هزار متر می رسد. کناره های این دریا عموماً شنزار و پست و صاف می باشد «خلیج گرگان» در جنوب شرقی و تالاب انزلی در جنوب غربی، دو بریدگی مهم آن محسوب می گردد.

دریای خزر دارای ۱۵۰۲ کیلومتر طول، ۵۵۴ کیلومتر پهنا و ۴۳۸۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت بوده و حجم آب آن ۷۹۳۱۹ کیلومتر مربع برآورد می گردد طول محیط کرانه آن ۶۳۷۹ کیلومتر است که ۹۹۱ کیلومتر آن در ایران و ۵۳۸۸ کیلومتر دیگر آن در کشورهای روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان واقع شده است. وسعت حوضه آبریز آن ۲۷۳۳۰۰۰ کیلومتر مربع است که گستردگی آن در ایران ۲۵۶۰۰۰ کیلومتر مربع می باشد. مساحت تالاب انزلی ۲۰۰ کیلومتر مربع و مساحت خلیج گرگان ۴۰۰ کیلومتر مربع می باشد.

ب) آب های زیرزمینی

ظرفیت منابع آب های زیرزمینی استان حدود ۱۳۵۰ میلیون متر مکعب برآورد شده

است که ۸۶۰ میلیون متر مکعب (۶۳/۷ درصد) از ظرفیت آن بهره‌برداری می‌شود.

۶. جنگل‌ها: تمام قسمت جنوبی و جنوب‌شرقی و قسمتی از شرق گرگان را جنگل فراگرفته است. وسعت این جنگل‌ها حدود ۳۷۹ هزار هکتار برآورد شده و محدوده‌ی آن از گلوگاه مرز غرب تا گلیداغ در شرق گسترش دارد، گونه‌های بسیار با ارزشی چون بلند مازو، راش، سمرز، توسکا، ملج، افرا، آزاد، آلبالوی جنگلی، انار، خرمنندی، نمدار، بربوک، سرخدار، زربین، آلوترش، زرشک، انجیر، گلابی، گیلاس، توت جنگلی و... در این جنگل‌ها وجود دارد که از نظر زیست‌محیطی و اقتصادی حائز اهمیت فراوان می‌باشد.

۷. مراتع: مراتع استان نیز بالغ بر ۱۱۲۶۰۰۰ هکتار در چهار حوضه آبخیز عمده به شرح زیر واقع شده است.

- حوضه آبخیز اترک: شامل مراتع بخش مراوه‌تپه و داشلی‌برون و مراتع بخش آق‌قلا و گمیشان می‌باشد.

- حوضه آبخیز گرگان: شامل بخش‌هایی از کلاله، گالیکش آق‌قلا می‌باشد.

- حوضه آبخیز قره‌سو: شامل مراتع بخش مرکزی گرگان و قسمت‌هایی از بخش آق‌قلا می‌باشد.

- حوضه آبخیز نکا: شامل مراتع ییلاقی بخش مرکزی گرگان، کردکوی و بندرگز می‌باشد. مراتع استان از نظر موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی شامل مراتع ییلاقی و قشلاقی بوده که جهت تعلیف احشام دامداران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۸ آب و هوا: تنوع اقلیمی استان گلستان به دلیل شرایط جغرافیایی و طبیعی قابل توجه می‌باشد به طوری که نواحی جنوبی از آب و هوای کوهستانی، نواحی مرکزی و غربی از آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای و نواحی شمالی از آب و هوای نیمه خشک و خشک برخوردار است. هر چه از سمت دریا به شرق و از جنوب به شمال پیش می‌رویم از رطوبت هوا کاسته و بر خشکی آن افزوده می‌شود.^۱

۱. سالنامه آماری استان گلستان ۱۳۸۳: معاونت آمار و اطلاعات؛ گرگان: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی،